

عنوان مقاله:

الگوی تشویق و تنبیه از منظر نهج البلاغه با تاکید بر هفت سال دوم (کودکی) تعلیم و تربیت

محل انتشار:

پژوهش نامه علوم حدیث تطبیقی، دوره 10، شماره 18 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 0

نویسندگان:

مهدی محمدمیرزایی - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مهشید ایزدی - استادیار گروه علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

فهیمة انصاریان - استادیار گروه علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

معصومه صمدی - دانشیار گروه پژوهشی تعلیم و تربیت، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، تهران، ایران.

خلاصه مقاله:

دو عامل تشویق و تنبیه، از روش های مهم در تعلیم و تربیت انسان، به ویژه در تحول شخصیت و کنش های رفتاری بهنجار ایشان می باشند؛ زیرا طبیعت او به گونه ای است که وقتی در انجام امور، مورد تشویق قرار می گیرد، معمولاً در صدد برمی آید تا آن امور را بهتر انجام دهد و برعکس انسانی که مورد تنبیه، نکوهش یا ناسپاسی قرار می گیرد، دلسرد و بی رغبت می شود و احساس حقارت و ضعف می کند، و نمی تواند از استعداد های خویش به نحو مطلوبی استفاده نماید. لذا این پژوهش با هدف طراحی الگوی تشویق و تنبیه از منظر نهج البلاغه، با روش توصیفی- پیمایشی و استفاده از منابع کتابخانه ای و کسب دیدگاه متخصصان و خبرگان در امور تربیتی با استفاده از روش دلفی، مبتنی بر شیوه تحلیل مضمون، مورد اعتباربخشی قرار گرفت که نتایج آن به این شرح می باشد: از دیدگاه متخصصان و خبرگان در امور تربیتی، الگوی تشویق کلامی تعریف بالاترین رتبه، و الگوی تنبیه غیربدنی تذکر بالاترین رتبه را در بهبود اوضاع تعلیم و تربیت دارند.

کلمات کلیدی:

الگو، تشویق، تنبیه، کودک، نهج البلاغه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1743742>

